

انسان تاریخے

تاریخ متعالے

www.ketab.ir

تأملاتی در تاریخ مندی انسان

حکمت الله ملا صالحی



سروشنامه: ملاصالحی، حکمت‌الله، ۱۳۲۹

عنوان و نام پدیدآور: انسان تاریخی و تاریخ متعالی:

تاملاتی در تاریخ‌مندی انسان / حکمت‌الله ملاصالحی

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی هنری پگاه، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۱۷۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۹۸-۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: تاملاتی در تاریخ‌مندی انسان.

موضوع: انسان (اسلام) -- جنبه‌های قرآنی

موضوع: Theological anthropology -- Islam -- Qur'anic teaching

موضوع: انسان (اسلام) -- مطالب گونه‌گون

موضوع: Theological anthropology-- Islam -- Miscellanea

شناسه افزوده: خوانساری موسوی، صدیقه، ۱۳۲۳ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۷۵۸ الف / BP۱۰۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۵۸۷۶۴

نویسنده: حکمت الله ملاصالحی

ناشر: پگاه روزگار نو

نوبت چاپ: زمستان ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۹۸-۲-۱

آدرس: خیابان فخر رازی، پلاک ۵۶، ورودی دوم، طبقه دوم، واحد ۲۰۴

تلفن: ۸۸۸۰۷۱۸۸

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

. فهرست .

مقدمه	۱۷
یکم. انسان	۱۱۳
درام سگیناک انسان بودن	۱۱۵
انسان جدید و افق پیش رو	۱۲۵
شرق و غرب، افسانه و واقعیت	۱۳۳
دوم. عصر کنونی	۱۴۷
از معبد-موزه‌ها تا موزه‌های دائم موزه‌ها	۱۴۹
دوران جدید؛ جامعه و جهان پیش روی	۱۵۹
انقلاب سوم جهانی، تغییرات و تحولات	۱۷۳
تمهیدگری برای ظهور عصری جدید	۱۸۷
سوم. از تاریخ حال تا تاریخ متعال	۱۹۷
گذشته، میراث و تذکر تاریخی	۱۹۹
از قلم مورخان تا کلنگ باستان‌شناسان	۱۱۱
افتتاح تاریخ متعالی در عصر سیادت تاریخ سکولار	۱۴۳
تاریخ کنونی و تاریخ فراروی	۱۶۱
فردای موعود؛ تاریخ متعالی	۱۶۷

مقدمه

انسان هستنده‌ای است تاریخ‌مند. تاریخ‌مندی انسان یک استعاره نیست؛ در خلأ و خلق الساعه نیز اتفاق نیفتاده و از عدم به پیدایی نیامده است. تاریخ‌مندی و حضور تاریخی، بُعد (Historical) انسان را در جهان با مشرب یا مشرب‌های تاریخی (Historical) که نوعی رویکرد و نحوه‌ی نگاه به انسان است و تاریخ حرکت از مطلق تاریخی و تاریخ چونان مطلق تاریخ، نمی‌باید خلط و یکسان شده‌اند. تاریخ‌مندی انسان یک واقعیت است؛ واقعیتی که پیشاپیش اتفاق افتاده و همچنان نیز در حرکت است و در بستر اتفاق جاریست. نحوه‌ی بودن و شدن و حضور ما آدمیان چونان هستندگانی تاریخ‌مند در همین بستر و جریان پیوسته‌ای که در قلب جغرافیای طبیعی در جهان روی پیوسته‌ی سرد و نازک و شکننده‌ی غبار کیهانی زمین -افکننده در میان صدها و صدها میلیارد غبار کیهانی دیگر- افکند. گشوده، آشکار شده و رقم خورده است.

تاریخ‌مندی انسان یک مفهوم انتزاعی نیست؛ دلالت بر کوهی از مصادیق و واقعیت‌ها و روندها و رویدادها و تحولاتی دارد که انسان آن‌ها را مرحله به مرحله زیسته، آزموده و از سر گزارنده است و همچنان نیز در بسترهای موج‌خیز و پرخروش و توفنده و طوفانی آن جاری است و حضور فعال دارد و در آن ره می‌سپارد، اما به کدام سوی؟ معنای این گشودگی و آشکارگی و حضور یکتا و یگانه و بی‌بدیل چیست؟ این ظرفیت‌ها و امکانات و استعدادهای عظیم وجودی به حرکت درآمده و گسترده شده در جهان، روی پوسته‌ی نازک و ظریف غبار کیهانی زمین حمل چه معنایی است؟ رویداد عظیم و بی‌بدیلی که مشابه آن را در هیچ اقیانوس طبیعی در میان جانوران حیات وحش نمی‌بینیم؛ موران زنبوران درندگان و چرندگان و پرندگان حیات وحش که تاریخ ندارند. صفت و خصلت تاریخ‌مندی تنها برآدمیان جاری است و بر انسان بودن و حضور انسانی او در جهان دلالت دارد و کوهی از مصادیق عینی بر آن مستقید می‌نهند. نحوه‌ی بودن و حضور تاریخ‌مند انسان را در جهان با همین مصادیق و واقعیت‌های عینی و ملموس و روندها و رویدادها و تحولات تاریخی می‌توان دید و فهمید.

مفهوم تاریخ متعالی و تجربه‌ی انسان از امر متعالی، خدا را نیز در همین تقدیر تاریخی و حضور تاریخ‌مند انسان در جهان روی همین پوسته‌ی نازک، سرد و شکننده‌ی غبار کیهانی زمین تجربه کرده و درباره‌اش سخن گفته‌ایم. میان تاریخ‌مندی و حضور تاریخ‌مند انسان در جهان و تجربه‌ی او از امر متعالی و تسامحا تاریخ متعالی، نسبت عمیق و بنیادینی وجود دارد. امر متعالی و مقدس و ذات امر الوهی و الوهیت در ذات خود، تاریخی نیست؛ لیکن تاریخی بر ما آشکار می‌شود. تاریخی در تاریخ افق می‌گشاید. تأثیر این گشودگی

و آشکارگی و تجلی بر تقدیر و حضور تاریخی و نحوه‌ی بودن و شدن تاریخ‌مند انسان در جهان و معرفت و منظر و فهم او از هستی، از جهان و واقعیت‌های آن از انسان بودن خویش و معنای حضورش در جهان، به غایت ژرف و تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز بوده است؛ چنانکه انکار آن نیز سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده بوده است. قطع ریشه‌های اتصال باطنی و حلقه‌های پیوند روحانی و حیات معنوی انسان با مراتب متعالی‌تر وجود و تجربه‌ی متناقض او از امر مقدس به دلیل کبروی ما، کفر فهمی‌هایی که به نام دین در تاریخ اتفاق افتاده و خون‌های بی‌ساخته که به نام الوهیت بر زمین ریخته شده بود، سراز انکار و رفتارهای کفرآمیز و قهرآمیز دیگری برکشید که اینک تمامیت تاریخ و حیات و حضور انسان را به مخاطره افکنده و در معرض تهدید قرار داده است. شنیدن زندگی‌های سنگین خطر و دیدن مخاطرات پیش روی‌یکبار دیگر ما را به بازخوانی و نقد و تحلیل بی‌طرفانه‌ی تقدیر تاریخی و حضور تاریخ‌مند خویش در جهان فرامی‌خواند.

داده‌ها و شواهد موجود، تردید به جای نمی‌دهند که تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان ما برای نخستین بار و به‌طور بی‌سابقه در معرض مخاطراتی سنگین و خطرناک و تهدیدکننده قرار گرفته و به‌سوی نابودی فراگیر به حرکت درآمده است. رفتارهای کفرآمیز و کفرآمیز و مالیخولیایی انسان روزگار ما با خویش و جغرافیای طبیعی، فرهنگ و طاق‌ت تاریخ و جغرافیا و اقلیم و عالمی است که در آن سکون نداریم و در آن زندگی می‌کنیم. باید به این واقعیت غم‌انگیز و نگران‌کننده اذعان کرد که برای نخستین بار منابع طبیعی و حیاتی و موارث فرهنگی همه‌ی ملت‌ها و کشورها در معرض تخریب و نابودی است. متأسفانه در این ویرانی نهادینه شده و تخریب فراگیر، همه‌ی نظام‌های سیاسی و بیش از همه نظام‌های سلطه‌ی

فاسد سرمایه‌داری جهانی در آوردگاه رقابتی سنگین به میدان آمده و سهم‌اند.

انسان هستنده‌ای است به‌غایت سازنده و خلاق. فراخوانده شده است تا جهان خود را پی افکنده و بنیاد نهاده و بسازد و بیافریند. تاریخ او و حضور تاریخ‌مندش در جهان مؤید کنجکاوی‌ها، کنش‌ها، کنش‌ها و چشش‌های خلاق و خیزش‌های وجودی او و ظهور و تحقق امکانات و استعدادها و ظرفیت‌های وجودی اوست. نمی‌تواند مانع بر سر راه کنجکاوی‌ها و کنش‌های سازنده و خلاق انسان نهایی؛ لیکن می‌توان آن‌ها را در مسیری افکند به‌غایت روحانی، متعالی، و... انسان‌ساز. این همان چیزی است که به منفعت و مصلحت همه‌ی انسان‌ها بیان است. در حیات وحش و در جغرافیای طبیعی، موران و زنبورن، پرندگان و ددان و پرندگان و خزندگان راه گم نمی‌کنند؛ بوزینه‌گان بر مسخ و از خویش بیگانه نمی‌شوند. در جغرافیای طبیعی، بوزینه‌گان به طبیعت و غرایز طبیعی خویش در طبیعت افکنده می‌شود و به طبیعت خویش باز می‌گردد. تنها آدمیان می‌توانند راه گم کنند؛ می‌توانند راه‌های بسیاری را بگزینند؛ می‌توانند انسان زاده شوند اما بوزینه‌بیماران. انسان تنها هستنده‌ای است که هم راه می‌گشاید، هم راه گم می‌کند. هم خریش را می‌یابد، هم می‌تواند مسخ و از خویش بیگانه شود؛ هم می‌تواند بسازد و بیافریند و عالمی را با امکانات و ظرفیت‌های وجودی خویش پی افکند و بنیاد نهد، هم جهانی را به هم ریزد و ویران کند. ویرانگری او نیز چهره‌ی دیگری از کنش‌های خلاق اوست.

همه‌ی سپهرهای کنش‌های خلاق و تجربه‌ی بشری ما از چیزها اعم از ذوقی و زیبا شناختی، معرفت‌ورزانه و دانش‌دوستی، آیینی و معنوی و تجربه‌ی ما از امرالوهای و قدسی و همچنین مهارت‌های دستی و

فناورانه‌ی ما در تاریخ و حضور تاریخی و تاریخ‌مند انسان در جهان چونان تیغ از دو دم بریده‌اند و دریده‌اند. تقدیر و تجربه‌ی تاریخی انسان در آوردگاه چنین تناقض‌هایی رقم خورده و به حرکت درآمده است. مسئله هنگامی مخاطره‌انگیز و نگران‌کننده شده است که کفه‌ی کنش‌های خلاق منفی، قهرآمیز و کفرآمیز و ویرانگرانه‌ی انسان بر کفه‌ی کنش‌هایی مربوط به حس صیانت و تجربه‌ی همدلانه و بی‌ایات و حضور روحانی و معنوی انسان چیره شده و سروری کرده است.

فشار دست‌رپنج نرم کردن با تناقض‌ها و جنون هشیاری‌های مهارگسیخته بر شاه‌های انسان در تاریخ همیشه سنگین بوده است؛ لیکن نه آنچنان خردکننده که در تاریخ دنیای متجدد؛ فشاری که همه‌ی ترازوها را شکست است. آشفتگی و آناشسیسم و هرج و مرج دوره‌ی جدید در نوع خود بی‌سابقه و ناس‌گیر است. در ادبیات، در شعر و رمان و در هنرهای دیگر و در یک کلام در فکر و فلسفه و فرهنگ و زندگی انسان هیچ دوره‌ای هیچ جامعه‌ای و هیچ تمدنی فشار سنگین و خردکننده‌ی تناقض‌های درونی تاریخی را آشکارتر و فراگیرتر از دوره‌ی جدید شاهد نبوده‌ایم. هیچ دوره‌ای به گدالانه و بی‌رحمانه‌تر از دوره‌ی جدید، هنرمندان و متفکران را در کام خود فرو نبرده است. تقدیر انسان دوره‌ی جدید سوگناک‌تر از انسان دوره‌ی دیگری در تاریخ بوده است. از موزه‌های عالم مدرن بیش از گورستان‌های گذشته بوی مرگ و نیستی متصاعد می‌شود و به مشام می‌رسد. بودلر-شاعرو نویسنده‌ی فرانسوی- در «جنون هشیاری» دوره‌ی جدید از پای افکنده شد. نیچه در جستن و یافتن گریزگاه و مفتری از پیچ‌لاخ‌های تناقض‌های سخت و سنگین دوره‌ی جدید در جنون از سرافکننده شد و از پای درآمد. جنگ جهانی دوم

جنون آمیز، بی رحمانه و خونبارترین همه‌ی جنگ‌ها در تاریخ بشری بوده است. اینک جعبه‌ی جادوی «پاندورای» تناقض‌های درونی و اهریمنی و نیروهای شرور تاریخ گشوده به روی همه‌ی جامعه‌ها و همه‌ی فرهنگ‌هاست. هیچ جامعه‌ای دیگر ایمن از آن نیست. هیچ فرهنگی، هیچ جامعه‌ای، هیچ ملتی، هیچ نظام اعتقادی و سنت معنوی و دینی دیگر در فضای وجودی در اقلیم و عالم و مسیر تقدیر تاریخ خود ره نمی‌سپارد. همه مسافران قطارهای تاریخ دیگری هستند بی آنکه بدانیم به کدام سوی در حرکتیم و مقصد کجاست! خوشحال‌ها! خفتگان! خوشا به حال خوابگردها!

در این عالم می‌بینم از آقای دکتر وحید عسکریور - دوست و همکار خوش فکر - ترجمه‌ی «مجموعه‌ی» که عنوان کتاب را هوشمندانه پیشنهاد کرده‌اند و عناوین فصل‌ها را هوشمندانه کنار هم چیده‌اند صمیمانه تشکر کنم. همچنین از دوستان گرامی آقای امرایی و همکارانشان در انتشارات پگاه روزگار و در رحمت چاپ و انتشار کتاب را تقبل کرده‌اند صمیمانه سپاسگزارم.

حکمت‌الله ملاصالحی

دانشگاه تهران

۱۸ آبان ۱۳۸۱ هجری خورشیدی